صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

اهدای عضو

زن مشهدی نجات‌بخش ۶ بیمار شد

اعضای بدن زن مشهدی که دچار مرگ مغزی شده بود، به ۶ بیمار نیازمند زندگی بخشید. این زن ۵۵ساله لادن امینیان نام داشت. پس از تأیید مرگ مغزی و کسب رضایت خانواده‌اش، کلیه‌ها، کبد، قرنیه‌ها و بخشی از پوست او به ۶ بیمار نیازمند که در انتظار عضو اهدایی بودند، هدیه شد.

قصاص

حکم قصاص قاتل شهید فراجا تأیید شد

با تأیید حکم قصاص قاتل مأمور پلیس در سمنان، شمارش معکوس برای اجرای حکم آغاز شد. این مأمور وظیفه‌شناس پلیس که استوار دوم محمدجواد رحیمی نام داشت، روز ۱۱ شهریور ۱۴۰۱ هنگام انجام وظیفه در حمله‌ای به شهادت رسید. عامل جنایت مدتی قبل به قصاص محکوم شده بود که این رأی در دیوان‌عالی کشور تأیید شد.

واکنش پلیس و دادستان نظامی به فیلم پربازدید فضای مجازی

ماجرای خیابان وطن‌پور

گزارش | گروه حوادث

به‌دنبال انتشار ویدئویی از درگیری چند مأمور زن پلیس با ۲دختر نوجوان به‌دلیل حجاب، دادستان نظامی تهران از شناسایی و احضار مأموران حاضر در صحنه به دادسرای نظامی خبر داد.

به گزارش همشهری، در روزهای گذشته فیلمی از صحنه درگیری میان مأموران پلیس زن و ۲دختر نوجوان بر سر حجاب در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که بازتاب زیادی داشت. این فیلم مأموران زن را نشان می‌داد که با رفتار خارج از عرف پلیس با ۲ دختر نوجوان برخورد کرده و با یکی از آنها درگیر شده بودند.

به‌دنبال انتشار فیلم در شبکه‌های اجتماعی، دادستان نظامی تهران و پلیس پایتخت نسبت به این حادثه واکنش نشان دادند.

قوه قضاییه اعلام کرد: فیلمی از برخورد با ۲ دختر نوجوان در فضای مجازی منتشر و درج شده که قاضی کشیک دادسرای نظامی تهران، دستور انتشار این فیلم را داده است!

در همین رابطه دادستان نظامی استان تهران در حاشیه جلسه شورای پیشگیری از وقوع جرم نیروهای مسلح، با اشاره به این موضوع گفت: طی روزهای اخیر گزارش و شکوائیه‌ای به دادسرای نظامی تهران واصل شد و بلافاصله با ارجاع آن به بازپرس ویژه، تحقیقات دادسرا در این رابطه آغاز شد.

حجت‌الاسلام کرمی گفت: با آغاز تحقیقات، بازپرس ویژه، دستور جمع‌آوری کلیه ادله و مستندات، از جمله استخراج فیلم دوربین‌های مداربسته اطراف را، به‌منظور ثبت در پرونده، به ضابطین خاص صادر کرد.

دادستان نظامی تهران با اشاره به همکاری بازرسی فراجا در شناسایی و معرفی عوامل حاضر در فیلم تصریح کرد: از نخستین اقدامات درنظر گرفته شده در این پرونده، شناسایی و معرفی مأموران حاضر در صحنه بود که با همکاری خوب صورت گرفته از سوی فراجا، مأموران حاضر، شناسایی و به نحو قانونی احضار شدند.

وی همچنین تأکید کرد: بازپرس صرفا دستور استخراج فیلم برای ثبت در پرونده را صادر کرده و هیچ دستور یا مجوزی برای تحویل آن به شاکی یا وکیل وی و یا انتشار آن در رسانه‌ها صادر نکرده است. ضمنا فیلم منتشره، از زاویه‌ای متفاوت از فیلم موجود در پرونده است. در حال حاضر نیز پرونده در مرحله تکمیل تحقیقات قرار داشته و همه دستورات قضایی لازم، برای کشف ابعاد مختلف اتفاق پیش آمده، به‌صورت قاطع صادر شده است.

واکنش پلیس

به‌دنبال این حادثه مرکز اطلاع‌رسانی پلیس پایتخت نیز توضیحاتی درباره این اتفاق که در خیابان وطن‌پور رخ داده بود ارائه کرد.

در اطلاعیه پلیس آمده است: این ویدئو مربوط به تاریخ یکم تیرماه سال ۱۴۰۳است و در آن مأموران به ۲ خانم جوان درخصوص پوشش نامناسب و کشف حجاب تذکر دادند که متأسفانه با فحاشی و الفاظ ناروا روبه‌رو شدند. هر دو نفر در خیابان وطن‌پور مجددا با پوشش نامناسب مشاهده شدند که حین انتقال به‌خودرو با عوامل انتظامی مجادله و کشمکش رخ داد و بر اثر مقاومت، جراحتی جزئی در یکی از این افراد ایجاد شد. پس از بروز حادثه، ویدئوی گرفته شده توسط پلیس و فیلم دوربین مداربسته خیابان برای شفاف‌سازی به مقام قضایی تحویل داده شد.

پلیس تهران در پایان این اطلاعیه با تأکید بر اینکه، پلیس رفتار این‌چنینی توسط عوامل انتظامی را در چارچوب استانداردهای کنشی و عملیاتی خود ندانسته و پرونده در سیستم قضایی و بازرسی فراجا مفتوح و درحال بررسی است، از همگان برای اجرای قانون و جلوگیری از بروز و اشاعه ناهنجاری‌های اجتماعی دعوت کرد.

گفت و گو

فیلم چطور منتشر شد؟

در حالی که برخی از رسانه‌ها مدعی شده‌اند که فیلم این حادثه به درخواست بازپرس پرونده منتشر شده، اما مریم عباسی، مادر دختری که در این حادثه دچار جراحت شده بود به همشهری می‌گوید: پس از رخ دادن این حادثه برای دختر ۱۴ساله‌ام، به همه جا برای شکایت از مامورانی که چنین رفتاری با او کرده بودند، رفتم. فیلم حادثه را هم خودم با رفتن به محل حادثه و اصرار زیاد به‌دست آوردم و هرجا که برای شکایت می‌رفتم، آن را هم می‌بردم. در این مدت حتی یک لحظه هم به این فکر نکردم که آن را به رسانه‌های خارج از کشور بدهم. چون نمی‌خواستم آب به آسیاب دشمن بریزم. اگر مشکلی در مملکت خودمان حل نشود خارج از اینجا چطور حل خواهد شد؟ این مایه تأسف است که مسائل داخلی اول از رسانه‌های خارج از ایران منتشر می‌شوند بعد داخلی‌ها از قول آنها اطلاع‌رسانی می‌کنند. درنهایت نیز فیلم را در اختیار یکی از رسانه‌های داخلی قرار دادم تا شاید از این طریق صدایم را به گوش مسئولان برسانم و همچنان قصد پیگیری شکایتم را دارم.

تصادف کن، پول دربیار

بعضی از باندهای تبهکاری در تصادف‌های صوری نقشه‌هایشان را عملی می‌کنند

حادثه

هیچ‌کس از تصادف رانندگی خوشش نمی‌آید و همه مراقب هستند تصادف نکنند، اما عده‌ای هستند که با پای خودشان به استقبال تصادف می‌روند، اما مگر می‌شود؟ این افراد صافکار و نقاش و مکانیک خودرو نیستند، بلکه تبهکارانی هستند که در جریان تصادف‌های ساختگی نقشه سرقت، زورگیری، کلاهبرداری و... را عملی می‌کنند. در این گزارش به بررسی شگردهای مختلف تبهکاران در تصادف‌های صوری می‌پردازیم.

مکث

مجازات تصادف ساختگی

براساس ماده۶۱ قانون بیمه اجباری اگر فردی برای دریافت خسارت از بیمه تصادف صحنه‌سازی بکند، به حبس از ۶ ماه تا ۲سال و جزای نقدی معادل دوبرابر مبلغ دریافتی محکوم می‌شود. همچنین اگر راننده با صحنه‌زن تبانی و وانمود کند که مقصر تصادف بوده هم به ۳ تا ۶ماه حبس محکوم می‌شود. اما در این پرونده‌ها چطور می‌شود شکایت کرد؟ اگر بعد از تصادف به طرف مقابل شک کردید با پلیس راهنمایی‌ورانندگی تماس بگیرید تا گزارش و کروکی حادثه تهیه شود. از ماشین خودتان و طرف مقابل از زوایای مختلف عکس بگیرید. حتما هم اطلاعات شخصی طرف مقابل را بگیرید. از سوی دیگر چون این روزها در اغلب خیابان‌ها دوربین‌های راهنمایی‌ورانندگی نصب شده می‌توانید از این تصاویر کمک بگیرید و ثابت کنید که تصادف ساختگی است و طرف مقابل قصد کلاهبرداری دارد.

زورگیری در تصادف صوری

۲مرد سابقه‌دار بعد از آزادی از زندان تصمیم گرفتند نقشه تازه‌ای برای سرقت بکشند. آنها سوار بر یک خودرو در خیابان‌ها پرسه می‌زدند و به‌طور صوری با شهروندان تصادف و به بهانه گرفتن خسارت، از آنها زورگیری می‌کردند. نخستین شاکی این تبهکاران که مردی میانسال بود به مأموران گفت: چند روز قبل سر یک پیچ خودروی پرایدی با خودرویم تصادف کرد. با اینکه راننده پراید مقصر بود، از خودرویش پیاده شد و شروع به دادو بیداد کرد. او در ادامه سراغم آمد و یقه‌ام را گرفت و گفت باید خسارتی را که به‌خودرویش وارد شده پرداخت کنم. همان موقع بود که مرد دیگری تلاش کرد پادرمیانی کند. او با جانبداری از راننده پراید گفت: من مقصر هستم و بهتر است خسارت او را بدهم. چون دنبال دردسر نبودم مجبور شدم خسارت اتفاقی را که مقصرش نبودم، پرداخت کنم. راننده پراید از من ۵میلیون تومان گرفت و وقتی کمی آن طرف‌تر رفت، همان مردی که پادرمیانی کرده بود سوار خودرویش شد و به اتفاق از آنجا دور شدند. آن زمان بود که به‌خودم آمدم و فهمیدم آنها با یکدیگر همدست بودند و همه این ماجرا نقشه‌ای از قبل طراحی شده برای سرکیسه کردن من بوده است.

با آغاز تحقیقات پلیس در این‌باره معلوم شد که این دو نفر با همین ترفند از افراد دیگری نیز زورگیری کرده‌اند. چند روز بعد با سرنخ‌هایی که به‌دست آمده بود ۲متهم تحت تعقیب دستگیر شدند و معلوم شد آنها اعضای یک باند تبهکاری حرفه‌ای هستند و در مدت کوتاهی ده‌ها نفر را در تصادف‌های ساختگی سرکیسه کرده‌اند.

کتک خوردن برای دیه

شگرد دیگر باندهای کلاهبرداری در تصادف‌های صوری آسیب زدن به خودشان برای گرفتن دیه است؛ درست مثل ۳پسر جوان که برای رسیدن به پول، این نقشه عجیب را طراحی کردند. آنها تصمیم گرفتند با آسیب زدن به خودشان، از شرکت بیمه کلاهبرداری کنند، اما درست زمانی که تصور می‌کردند نقشه‌شان با موفقیت پیش رفته، به دام پلیس افتادند. آنها تصور می‌کردند نقشه‌ای که کشیده‌اند کاملا بی‌نقص است و مو لای درزش نمی‌رود. ۲نفرشان دست به‌کار شدند و نفر سوم را مورد ضرب و شتم قرار دادند؛ تا جایی که او از ناحیه سر و صورت به‌شدت زخمی شد. بعد از آن، هر سه پسر جوان سوار خودروی پرایدشان شده و راهی یکی از خیابان‌ها شدند. خودرو را وسط خیابان پارک کردند. یکی پشت فرمان نشست و نقش راننده را برعهده گرفت. جوان مجروح هم با سر و صورتی خونین مقابل خودرو روی زمین دراز کشید و سومین نفر نیز درحالی که وانمود می‌کرد شاهد صحنه یک تصادف است با پلیس تماس گرفت. دقایقی بعد مأموران پلیس و اورژانس به محل حادثه رسیدند. جوان مجروح ناله می‌کرد. راننده ماجرای یک تصادف ساختگی را تعریف کرد؛ درحالی که هر سه پسر جوان مدعی تصادف بودند، اما افسر راهور به ماجرا مشکوک شد، چراکه خبری از خط ترمز نبود و قرار گرفتن مجروح جلوی خودرو نیز با واقعیت مطابقت نداشت. همچنین به‌نظر می‌رسید زخم‌های پسر جوان در جای دیگر ایجاد شده و همه‌چیز صحنه‌سازی است. در این شرایط بود که هر سه متهم بازداشت شدند و در ادامه اعتراف کردند که با این ترفند چند مرتبه از بیمه کلاهبرداری کرده‌اند.

کلاهبرداری از بیمه

کارمند بیمه وقتی از محل کارش اخراج شد، باندی تشکیل داد که هدف آن کلاهبرداری از شرکت‌های بیمه بود. اعضای این باند با تهیه مدارک جعلی، خود را بازماندگان قربانیان تصادفات رانندگی جا می‌زدند و از بیمه دیه دریافت می‌کردند. چندی قبل مسئولان اداره بیمه‌ای در شهرری هنگام بررسی پرونده تصادف‌های منجر به مرگ، به مدارک مرد جوانی که در تصادف رانندگی جان باخته بود، مشکوک شدند. بررسی مدارک پرونده نشان می‌داد که این مرد در یک تصادف شدید جان خود را از دست داده و والدین او با ارائه مدارک مربوط به تصادف قصد دارند از بیمه دیه دریافت کنند، اما آنچه در این میان جلب توجه می‌کرد شماره تلفنی بود که در پرونده وجود داشت. مسئولان شرکت بیمه وقتی متوجه شدند شماره تلفن خانواده جان‌باخته با آدرسی که از آنها در پرونده ثبت شده مطابقت ندارد، به بررسی دقیق مدارک ارائه شده به بیمه پرداختند و متوجه شدند تمامی این مدارک به طرز ماهرانه‌ای جعل شده و فردی با مشخصات قربانی وجود ندارد؛ بنابراین معلوم شد در پشت پرده ماجرا یک شبکه کلاهبرداری قرار دارد و همه اعضای این شبکه در تحقیقات پلیسی دستگیر شدند. کارمند اخراجی بیمه در اعترافاتش گفت: با توجه به آشنایی‌ای که با شرکت‌های بیمه داشتم نقشه‌ام را با یک جاعل حرفه‌ای در میان گذاشتم و بعد از تهیه مدارک جعلی برای قربانیان صوری، این مدارک را به دیگر اعضای باند می‌دادیم و آنها هم با معرفی خودشان به‌عنوان بازمانده قربانی و راننده مقصر به شرکت بیمه می‌رفتند و با ارائه مدارک جعلی، مقدمات دریافت دیه را فراهم می‌کردند. ما موفق شدیم برای ۲قربانی صوری دیه بگیریم، اما هنگام اجرای نقشه سومین کلاهبرداری لو رفتیم.

باج‌گیران بزرگراه

اعضای بعضی از باندهای تبهکاری نه طاقت کتک خوردن دارند و نه حوصله جعل مدرک و...؛ آنها فقط به پول فکر می‌کنند و دوست دارند زودتر به پول برسند. مثل ۲سارقی که در بزرگراه‌های تهران پرسه می‌زدند و در جریان تصادف‌های ساختگی از شهروندان باج‌گیری می‌کردند. آنها با موتورسیکلت‌شان در بزرگراه‌ها با خودروی شهروندان تصادف جزئی کرده و در ادامه وانمود می‌کردند که موتورسیکلت‌شان خسارت سنگینی دیده است و از این طریق شهروندی را که با خودرویش تصادف کرده بودند مجبور می‌کردند تا مبلغی را که آنها می‌گویند، بدهد. هرچند آنها توانستند از این طریق از چندین نفر باج‌گیری کنند، اما در نهایت توسط کارآگاهان پایگاه ششم پلیس آگاهی دستگیر شدند.

آن سوی مرز

پدر بی‌رحم فرزندانش را به قتل رساند

مرد آمریکایی که به اتهام قتل ۳پسر خردسالش دستگیر شده بود، از سوی دادگاهی در اوهایو به ۳بار حبس ابد محکوم شد. به گزارش همشهری به نقل از ایندیپندنت، در ۱۵ ژوئن سال گذشته، پلیس شهر مونرو در اوهایو در جریان یک جنایت خانوادگی قرار گرفت. زنی در تماس با مأموران مدعی شده بود که همسرش با در دست داشتن یک اسلحه پسرانش را به قتل رسانده است. پلیس بلافاصله خود را به محل جنایت رساند. بررسی‌ها نشان می‌داد که چاد دورمن، ۳۳ساله، پسرانش به نام‌های کلیتون ۷ساله، هانتر ۴ ساله و چیس ۳ساله را به ضرب گلوله به قتل رسانده است. لورا، مادر پسران به پلیس گفت: امروز رفتار چاد بسیار عجیب بود، کتاب مقدس را می‌خواند و به‌طور رمزآلودی زیر لب زمزمه می‌کرد: «چاد می‌داند چه چیزی درست است.» حتی با پدرش نیز تماس گرفت و با او خیلی عجیب صحبت کرد که از حرف‌هایش سر در نیاوردم. با این حال شنیدم که به پدرش می‌گفت که پسر بزرگش خیلی سرسخت است. لورا ادامه داد: شوهرم حتی هنگام ناهار خوردن گفت که «این آخرین وعده غذایی خوب من خواهد بود.» با وجود این هرگز تصور نمی‌کردم که چه نقشه‌ای در سر دارد. ساعت حدود ۴ بعدازظهر بود که چاد از ما خواست برای چرت زدن در اتاق خواب به او ملحق شویم. من و پسرها وارد اتاق شدیم و دختر ۱۲ساله‌ام در اتاق دیگری تلویزیون تماشا می‌کرد. شوهرم در گاوصندوق را باز کرد و اسلحه‌ای برداشت و رو به پسرانم کرد و گفت که شما «بهترین پسران تاریخ هستید.» بعد به آنها شلیک کرد و من و دخترم را از خانه بیرون کرد. براساس گزارش پلیس، دختر ۱۲ساله در این حادثه آسیب ندیده بود، اما مادرش درحالی که سعی داشت یکی از پسرانش را نجات دهد، از ناحیه دست زخمی شده بود. پدر جنایتکار نیز درحالی که داخل خانه روی پله‌ها نشسته و سرش را میان دستانش گرفته بود، دستگیر شد. با دستگیری این مرد اگرچه در یک سال گذشته دادستان‌ها به‌دنبال مجازات اعدام برای او بودند، اما پس از برگزاری جلسه دادگاه، قاضی، چاد را به ۳ حبس ابد متوالی محکوم کرد.

رویداد

تجربه هیجان، انگیزه عجیب سارق

کیارش ۱۹سال بیشتر ندارد. دانشجوی رشته ریاضی محض و به ادعای خودش نخبه است. او اما با یکی از دوستانش دست به گوشی‌قاپی در خیابان‌های تهران می‌زد، آن‌هم نه با انگیزه مالی، بلکه به‌خاطر هیجان. می‌گوید پدرش جراح زیبایی است و مشکل مالی ندارد و فقط از سرقت لذت می‌برده است. او در گفت‌وگو با همشهری از جزئیات سرقت‌هایش می‌گوید.

گفتی مشکل مالی نداشتی. پس چرا سراغ سرقت رفتی؟

اولش تقصیر دوستم بود که وسوسه‌ام کرد. گفت بیا برویم سرقت و من هم رفتم، اما بعد از هیجانش خوشم آمد. به چشم من یک تفریح بود. پدرم جراح زیبایی است و مادرم روانشناس. من تک‌فرزندم و از کودکی در ناز و نعمت بزرگ شده‌ام.

از سرقت لذت می‌بردی؟

از هیجانش. اما حماقت کردم. وقتی گیر افتادم فهمیدم که چه حماقت بزرگی کرده‌ام.

مواد مصرف می‌کنی؟

گل می‌کشم. راستش معاشرت با رفقای بد مرا به این روز انداخت. به اصرار آنها گل کشیدم و نتوانستم نه بگویم. حتی وقتی دوستم گفت بیا برویم سرقت، باز هم نتوانستم نه بگویم. شاید چون گل می‌کشیدم از سرقت لذت می‌بردم. اما حالا می‌گویم که اشتباه کردم. حماقت کردم.

با چه شگردی سرقت می‌کردید؟

سوار موتور می‌شدیم و در خیابان‌های پایتخت پرسه می‌زدیم. معمولا سراغ افرادی می‌رفتیم که پیاده بودند و گوشی دستشان بود. بعد موبایل را می‌قاپیدیم و اگر مقاومت می‌کرد، دوستم با چاقو دستش را خط می‌انداخت تا بترسید و گوشی‌اش را بدهد.

تو هم کسی را زخمی کردی؟

فقط یک‌بار. آن روز گل کشیده بودم اما ضربه‌ای که با چاقو به طعمه‌مان زدم، سطحی بود.

در پرونده‌ات نوشته شده تحصیلکرده‌ای؟

دانشجوی رشته ریاضی هستم. راستش را بخواهید نخبه هم هستم. از کودکی می‌توانستم مسائل ریاضی را به روش‌های مختلف حل کنم. راستی شطرنج باز حرفه‌ای هم هستم. اگر ادامه می‌دادم قطعا مقام می‌گرفتم. اما راه درستی را انتخاب نکردم؛ از دوستان ناباب گرفته تا اعتیادم به گل، این چیزها باعث شد تا مسیر زندگی‌ام تغییر کند و حالا اینجا باشم. از زندگی در زندان وحشت دارم اما به‌خودم قول دادم که بعد از آزادی دور خلاف و مواد را خط بکشم چون زندگی‌ام را به نابودی کشاندم.

داخلی

مرگ دردناک معلم قرآن پس از نجات ۲دانش‌آموز

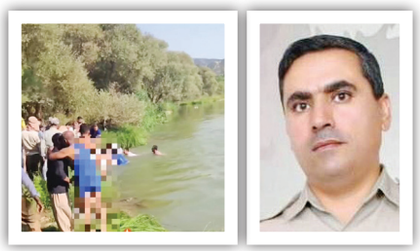

وقتی دانش‌آموزان برای فرار از گرما به رودخانه پریدند، ۲نفر از آنها در قسمت عمیق رودخانه گرفتار شدند و در این شرایط معلم فداکار برای نجات آنها به آب زد. او موفق به نجات دانش‌آموزان شد، اما خستگی بر وی غلبه کرد و حادثه‌ای تلخ رقم خورد. به گزارش همشهری، این حادثه تلخ بعدازظهر سه‌شنبه در رودخانه زاب در آذربایجان غربی رخ داد. آن روز دلشاد ابوبکرزاده، معلم قرآن شهر نلاس از توابع سردشت، به همراه حدود ۳۰نفر از دانش‌آموزانش برای اردوی تفریحی به کنار رودخانه زاب رفته بودند. بعد از خوردن ناهار بود که عده‌ای از دانش‌آموزان تصمیم گرفتند برای فرار از گرما وارد آب شوند. در جایی که محل اردوی دانش‌آموزان بود، رودخانه عریض اما آرام بود. بچه‌ها یکی پس از دیگری وارد آب شدند و سرگرم بازی بودند که ناگهان اتفاقی هولناک رخ داد. ۲نفر از دانش‌آموزان بی‌آنکه خبر داشته باشند، وارد قسمت عمیق رودخانه شده بودند و زیر پایشان خالی شده بود. آنها در آب دست‌وپا می‌زدند و در این شرایط بود که آقامعلم و چند نفر دیگر از اهالی شهر به رودخانه پریدند تا دانش‌آموزان را نجات دهند.

اتفاق تلخ

مهدی خضری، یکی از آشنایان معلم قرآن درباره این حادثه می‌گوید: وقتی دلشاد ابوبکرزاده و چند نفر دیگر که شنا بلد بودند به آب زدند، موفق شدند خودشان را به قسمت عمیق و جایی که دانش‌آموزان گرفتار بودند برسانند و هر طوری بود آنها را روی سطح آب نگه دارند. بعد هم هردو دانش‌آموز را با کمک هم به بیرون از رودخانه منتقل کردند و جان‌شان را نجات دادند. اما هنگامی که خودشان در حال خروج از رودخانه بودند، آقامعلم ناگهان به زیر آب رفت. او ادامه می‌دهد: همراهان آقامعلم در ابتدا متوجه ماجرا نشدند، چراکه او شنا بلد بود و فکر می‌کردند که الان از رودخانه بیرون می‌آید، اما این اتفاق نیفتاد. آنها وقتی متوجه شدند که او غرق شده، به رودخانه برگشتند، ولی هرچه گشتند اثری از آقا معلم نبود. برای همین ماجرا را به اورژانس و دیگر اهالی اطلاع دادند تا اینکه ۲مرد جوان از اهالی همان منطقه وقتی متوجه ماجرا شدند، به آب پریدند و بعد از کمی جست‌وجو پیکر آقامعلم را بیرون کشیدند. خضری می‌گوید: آقامعلم حدود یک ساعت زیر آب بود و برای همین وقتی اورژانس آمد و او را به بیمارستان بردند، عملیات احیا هم فایده‌ای نداشت و او جانش را از دست داد.

شهر در ماتم

مرگ دلشاد ابوبکرزاده مردم شهر نلاس را شوکه کرد. او سال‌ها در آموزش‌وپرورش به دانش‌آموزان درس می‌داد و بعد از آن هم خانه‌ای را تبدیل به کلاس قرآن کرد و به همراه همسرش به کودکان و نوجوانان قرآن می‌آموخت.

خضری می‌گوید: آقامعلم ۲فرزند داشت، اما زندگی‌اش را وقف آموزش قرآن کرده بود. او مرد خیری بود که همه از وی به نیکی یاد می‌کردند؛ به همین دلیل در مراسم خاکسپاری او بسیاری از مردم شهر حضور داشتند و هنوز مرگ او را باور ندارند.

مرد سابقه‌دار، چک پول جعل می‌کرد

جاعل سابقه‌دار که بارها دستگیر و زندانی شده بود این بار چک‌پول‌های جعلی را به شکل اینترنتی می‌فروخت، اما با هوشیاری پلیس دستگیر شد.

به گزارش همشهری، چندی قبل تیم عملیات کلانتری ۱۱۰ شهدا با رصدهای اطلاعاتی فردی را که اسکناس چک پول جعل می‌کرد، شناسایی کرد. شواهد نشان می‌داد که این مرد، سابقه‌دار است و بارها توسط پلیس دستگیر شده است. اطلاعات به دست آمده حاکی از این بود که او در حجم گسترده‌ای اقدام به جعل چک پول می‌کند و چک‌پول‌های جعلی را در سایت‌های اینترنتی آگهی کرده و می‌فروشد. در این شرایط مأموران با شناسایی مخفیگاهش وی را که قصد فروش اسکناس‌های جعلی به یکی از مشتریانش داشت، در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر کردند. در بازرسی متهم مبلغ ۲۷۰ میلیون ریال اسکناس جعلی در قالب تراول یک میلیون ریالی و پانصد هزار ریالی کشف شد.

سرهنگ علی قاسم‌پور، رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ در این‌باره گفت: در جریان بازجویی‌ها مشخص شد که این فرد در بعضی موارد در قبال خرید اجناس هم اسکناس‌های تقلبی پرداخت کرده بود. متهم پس از اعتراف به جرم برای ادامه تحقیقات در اختیار پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت.